

## بررسی وضعیت زندان‌ها و روند دادرسی در ساختارهای عدلی و قضایی طالبان

### نگارنده سیدعارف اخلاقی<sup>۱</sup>

#### چکیده

تحقیق حاضر به تحلیل ساختار و کارکرد نظام عدلی و قضایی طالبان می‌پردازد. محور اصلی این تحقیق، بررسی وضعیت زندان‌ها، روند دادرسی، رعایت حقوق بشر و موانع دسترسی به عدالت است. یافته‌های کلیدی این تحقیق نشان می‌دهد که پس از سقوط دولت جمهوری، بسیاری از قوانین در ارگان‌های عدلی و قضایی لغو و تعدیل شده‌اند. این تغییرات منجر به گسترش بازداشت‌های خودسرانه، اعمال شکنجه و محدودیت‌ها در روند دادرسی شده است.

هم‌چنین، یافته‌ها حاکی از این است که زندان‌های شخصی به گونه‌ای چشمگیری در برخی ولایات افزایش یافته است؛ مداخله‌های افراد غیر مسوول در روند دادرسی اعتماد عمومی را نسبت به نظام عدلی و قضایی کاهش داده‌اند.

#### مقدمه

با بازگشت طالبان به قدرت در 15 اگست 2021، ساختارهای دولت پیشین افغانستان به ویژه نهادهای عدلی و قضایی دچار دگرگونی اساسی گردید. طالبان تحت عنوان «امارت اسلامی» قانون اساسی و جزایی حکومت پیشین را که با معیارهای حقوق بشر و اسناد بین‌المللی هم‌خوانی داشتند، لغو کردند. کارمندان مسلکی نهادهای عدلی و قضایی را برکنار و افرادی را که دانش کافی در این زمینه ندارند در این نهادها جابجا نمودند.

با لغو قوانین قبلی و اعمال محدودیت‌ها، مکانیسم نظام عدلی و قضایی با چالش‌های جدی روبه‌رو شده‌اند. روی این ملحوظ، بررسی این وضعیت به ویژه از منظر حقوق بشر و دسترسی مردم به عدالت لازم و ضروری پنداشته می‌شود.

#### اهداف تحقیق

این تحقیق اهداف زیر را دنبال می‌کند:

- 1: شناسایی ساختار تشکیلاتی ارگان‌های عدلی و قضایی طالبان؛
- 2: بررسی قوانین و مقررات مورد استفاده در این ارگان‌ها؛
- 3: تحلیل چگونه‌گی رسیده‌گی به پرونده‌ها با معیارهای بین‌المللی؛
- 4: ارائه پیشنهادات برای بهبود وضعیت حقوق بشر در نظام عدلی و قضایی طالبان.

#### پرسش‌های تحقیق

این تحقیق به پرسش‌های زیر پاسخ می‌دهد:

- 1: ساختار اداره‌های عدلی و قضایی طالبان چگونه است؛

---

1: عضو کادر علمی دانشگاه ابن سینا کابل افغانستان [Arif-Akhlaqi@protonmail.com](mailto:Arif-Akhlaqi@protonmail.com)

- 2: مبانی قانونی و فقهی که طالبان در محاکم خود استفاده می‌کنند، چیست؛
- 3: چه فرایندهای برای رسیده‌گی به پرونده‌ها وجود دارد، آیا اصول دادرسی عادلانه رعایت می‌شود.

## رویش تحقیق

تحقیق حاضر به روش کتابخانه‌ای انجام شده است. منابع اصلی این تحقیق؛ اسناد بین‌المللی حقوق بشر، گزارش‌های سازمان‌های بین‌المللی و نهادهای حقوق بشری، اسناد داخلی طالبان و گزارش‌های میدانی منتشرشده توسط رسانه‌های معتبر می‌باشد. تمامی داده‌های این تحقیق فیش‌برداری شده و با رویکرد توصیفی-تحلیلی بررسی شده‌اند.

## ساختار رسمی نظام عدلی و قضایی طالبان

وقتی که طالبان قدرت را دوباره به دست گرفت، بسیاری از ساختارهای دولت پیشین به شمول نظام عدلی و قضایی کشور را تغییر دادند. در زمان جمهوریت نظام عدلی و قضایی افغانستان دارای یک ساختار مشخص و تعریف شده‌ی جهانی بود؛ اما طالبان بسیاری مقررات و قوانین قبلی به شمول قانون اساسی و قوانین جزایی را که با تبعیت از اسناد بین‌المللی حقوق بشر وضع شده بود، تغییر دادند. این دیگرگونی که در سیستم عدلی و قضایی به وجود آمده است، تأثیرات مستقیم بر زنده‌گی مردم در زمینه‌های دادرسی، دادخواهی و دسترسی به عدالت به جا گذاشته‌اند.

اداره‌های محاکم از جمله اداره‌های است که طالبان ساختار تشکیلاتی قوه قضاییه را بر اساس «لایحه محاکم» با تغییر نام از «ستره محکمه» به «اداره عالی محاکم» مشخص کرده‌اند. این ساختار تشکیلاتی در زمان حکومت جمهوری اسلامی افغانستان و در ساحت تحت کنترل طالبان نیز فعال بوده که اکنون در تشکیل قوه قضاییه پیاده شده است.<sup>۲</sup> البته در نوعیت عمل و تطبیق آن، هیچ تشکیل یک‌دست و مشخصی وجود ندارد بسیاری محاکم و اداره‌های زیربند آن به لحاظ تشکیلات و وظایف و صلاحیت‌های ولایت‌ها بسیار متفاوت است.

## سلسله‌مراتب محاکم قضایی

سلسله‌مراتب محاکم طالبان شامل؛ محکمه‌های تمیز، مرافعه و ابتداییه می‌شود که هر کدام آن مسوولیت رسیده‌گی به جرایم عمومی و دعاوی مدنی و حقوق را به عهده دارند.

### 1: محکمه تمیز (عالی)

محکمه‌های عمومی و عادی در سه دسته تمیز، مرافعه و ابتدایی فعال شده‌اند که مسوولیت رسیده‌گی به جرایم عمومی و دعاوی مدنی و حقوقی را بر عهده دارند.<sup>۳</sup>

2. <https://www.rawadari.net/uploads/files/81f9abee-0304-476a-87bc-a>

3. <https://www.rawadari.net/uploads/files/81f9abee-0304-476a-87bc-a>

## 2: محکمه مرافعه

دومین مرجع قضایی به لحاظ سلسله مراتب، محکمه‌های مرافعه می‌باشد که در مراکز ولایات ایجاد شده و دارای چهار دیوان جزا، امنیت عامه، مدنی و تجارت می‌باشد.<sup>۴</sup>

### محکمه ابتدایی

محکمه‌های ابتدایی دارای سه عضو شامل؛ یک قاضی، یک مفتی و یک محرر قاضی می‌باشد. به استثنای محکمه‌های شهری که تعداد اعضای آن از یک ولایت دیگر متفاوت است.<sup>۵</sup>

### محاكم تخصصی

طالبان با لغو محکمه‌های اختصاصی قبلی، محکمه‌های اختصاصی جدید ایجاد کرده‌اند که در کابل و تعدادی از ولایت‌ها فعالیت می‌کنند.<sup>۶</sup>

## 1: محکمه‌های اختصاصی نظامی

طالبان در تعدادی از ولایت‌ها محکمه‌های اختصاصی نظامی را در دو بخش مرافعه و ابتداییه ایجاد کرده‌اند که قضایای مربوط به تمامی منسوبین نظامی امارت اسلامی را رسیده‌گی می‌کنند.<sup>۷</sup>

## 2: محکمه‌های اختصاصی احتساب

طالبان با لغو دیوان‌های مبارزه با جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی، محکمه اختصاصی «احتساب» را در تعدادی از ولایت‌ها ایجاد کرده‌اند که مسوولیت آن رسیده‌گی به اتهامات مربوط به «نظامیان پیشین»، جاسوس و طرفداران حکومت پیشین» می‌باشد.<sup>۸</sup>

## تنوع ساختاری نهادهای عدلی و قضایی طالبان در ولایت‌ها

طالبان در اکثریت تشکیلات ادارات خود چه اداره‌های محاکم و چه سایر ادارات تشکیلات یک‌دست و یک‌سان ندارد. علاوه بر موارد بالا که از آن نام برده شد، کمیسیون‌ها، شورای‌های فقهی، معاونت‌های قضایی و دارالافتاء را در بعضی ولایت‌ها ایجاد نموده‌اند. به طور مثال؛ در تعدادی از بخش‌های کشور از جمله در ولایت هلمند، دو نوع کمیسیون اختصاصی ایجاد کرده‌اند. کمیسیون نخست، توسط والی ولایت ایجاد شده و به مسایل غیر قضایی رسیده‌گی می‌کند و کمیسیون دوم، توسط محکمه مرافعه در مرکز ولایت هلمند ایجاد شده که معمولاً به دوسیه‌های بی‌سرنوشت در

5: <https://www.rawadari.net/uploads/files/81f9abee-0304-476a-87bc-a>

5: <https://www.rawadari.net/uploads/files/81f9abee-0304-476a-87bc-a>

6: وضعیت دسترسی به عدالت در نظام عدلی و قضایی طالبان

7: <https://www.rawadari.net/uploads/files/81f9abee-0304-476a-87bc-a>

8: <https://www.rawadari.net/uploads/files/81f9abee-0304-476a-87bc-a>

حکومت پیشین رسیده گی می کند. صلاحیت دیگر این کمیسیون، رسیده گی به اختلافات محکمه های مرافعه و ابتداییه و رفع تداخل وظیفوی می باشد.

همچنین، در ولایت میدان وردک، یک کمیسیون شکایات وجود دارد که به دوسیه های نهایی نشده در حکومت پیشین رسیده گی می کند؛ اما در ولایت دایکندی، یک محکمه تحت نام معاونت قضایی به این دوسیه ها رسیده گی می کند. همین طور، در ولایت های پکتیکا، پکتیا و خوست محکمه های اختصاصی برای نهایی سازی دوسیه های باقی مانده از حکومت پیشین، ایجاد شده است.<sup>۹</sup> از سوی دیگر، در شماری از ولایات طالبان نهادی را تحت نام شورای فقهی ایجاد کرده اند که تحت امر محکمه های مرافعه فعالیت می کند و وظیفه ی آنها رسیده گی و حل و فصل قضایای مربوط به ادارات ملکی و نظامی می باشد.<sup>۱۰</sup>

## نهادهای نظارتی کمیسیون نظامی و اسرا

### 1: کمیسیون نظامی و حلقه های مربوط آن

این کمیسیون در کل بر ده حلقه نظامی تقسیم گردیده است. اعضای این کمیسیون والی ها قوماندان های امنیه و ولسوالان ولایت های مربوط می باشد. صلاحیت این کمیسیون در حل و فصل قضایا بسیار پر رنگ است.<sup>۱۱</sup>

### 2: کمیسیون اسراء و محبوسین

این کمیسیون برای تمام محبوسین داخل کشور و زندانی هایی که در خارج از کشور زندانی هستند، ایجاد شده است. کمیسیون مذکور براساس لایحه خود مکلف است که در مورد صحت، خوراک، پوشاک و دیگر ضروریات مجرمین رسیده گی کند.<sup>۱۲</sup>

## مراجع قضایی غیررسمی

### 1: جرگه های محلی و نقش رهبران سنتی

جرگه های محلی در ساختار طالبان به عنوان یک نهاد قضایی و غیر رسمی عمل می کنند، که در حل و فصل اختلافات و مجازات افراد در مناطق روستایی و قبیله ای کاربرد فعال دارند. در موارد که جرایم اتفاق می افتند، جرگه ها می توانند مجازات را برای افراد خاص تعیین کنند، این مجازات شامل جریمه نقدی، تنبیه بدنی، یا تبعید از منطقه می باشد.

اهمیت و جایگاه جرگه ها در ساختار طالبان به منطقه و شرایط محل بسته گی دارد. در برخی مناطق جرگه ها نقش پر رنگ تری در حل و فصل منازعات و اختلافات و اجرای احکام دارند. این در حالی است که در همین مناطق محاکم رسمی نیز نقش خود را ایفا می کنند.

9. وضعیت دسترسی به عدالت در نظام عدلی و قضایی طالبان

10. وضعیت دسترسی به عدالت در نظام عدلی و قضایی طالبان

11: <https://www.rawadari.net/uploads/files/81f9abee-0304-476a-87bc-a>

12: <https://www.alemarahdari.af/articles-and-views/>

## 2: محکمه‌های صحرایی

این دادگاه، به دادگاهی غیررسمی و فوری گفته می‌شود که در خارج از سیستم قضایی افغانستان برگزار می‌شود. این دادگاه به طور معمول از سوی طالبان برگزار می‌شود که در آن متهمان از هیچ نوع حق در فرایند تصمیم‌گیری این دادگاه برخوردار نیستند. برپایی این دادگاه‌ها، به مقام‌ها و جنگ‌جویان طالبان فرصت انتقام‌جویی و صدور احکام سریع و بدون رعایت موازین محکمه‌های عادلانه را فراهم می‌سازد. در این دادگاه، هیچ نهاد مستقل قضایی یا نماینده قانونی حضور ندارد.

این دادگاه‌ها با مجازات‌های سخت، شکنجه‌های جسمی و عدم رعایت اصول دادرسی عادلانه، برگزار می‌شوند که پیامدهای زیان‌بار را بر زنده‌گی مردم وارد می‌کنند. تصمیم‌های این دادگاه نه تنها موجب حل اختلاف و رسیده‌گی به پرونده‌های حقوقی و قضایی نمی‌شود بلکه اختلافات را گسترده و تنش‌های اجتماعی را بیش‌تر می‌سازد.<sup>۱۳</sup>

### فروپاشی نظام قضایی پیشین و پیامدها

نظام عدلی و قضایی دوره جمهوریت که شیرازه‌ی از تجارب کشورها و مولفه‌های جهانی را همراه داشت؛ تلاش‌های ارزشمندی در زمینه‌های عدلی و قضایی صورت گرفته بود؛ اما چالش‌های در تطبیق و اجرای عدالت و تأمین حاکمیت قانون را نیز با خود همراه داشتند. شهروندان از عملکردهای عدلی و قضایی رضایت چندانی نداشتند. با این وجود، دست‌آوردها و پیشرفت‌های ارزشمندی در عرصه‌ی قانونگذاری، اصلاح و کارآمدتر شدن دستگاه عدلی و قضایی به دست آمده بود که متأسفانه همه‌ی آن دست‌آوردها از بین رفته است. عواملی که دال بر فروپاشی نهادهای عدلی و قضایی حکومت پیشین دارد، قرار زیر است.

### 1: انحلال نهادهای عدلی (سارنوالی، محاکم تخصصی)

یکی از بزرگ‌ترین اقداماتی که در نهادهای عدلی و قضایی انجام شد، لغو ساختارهای حمایتی و ویژه مانند سارنوالی‌ها و محاکم اختصاصی بود. طالبان تمامی محاکم اختصاصی به شمول محکمه مبارزه با جرایم خشونت علیه زنان، محکمه اختصاصی رسیده‌گی به تخلفات اطفال، محاکم مبارزه با فساد اداری و دیوان‌های مبارزه با جرایم امنیت داخلی و خارجی را لغو کردند.

همین‌طور، طالبان سارنوالی‌های اختصاصی مبارزه با جرایم خشونت علیه زنان و اطفال، سارنوالی‌های ابتدایی مبارزه با فساد اداری و ریاست مبارزه با آزار و اذیت زنان در ادارات دولتی را از تشکیل لوی سارنوالی در مرکز و ولایت‌ها حذف کرده‌اند. سارنوالی‌ها و محاکم اختصاصی که در تشکیل نهادهای عدلی و قضایی دولت جمهوری اسلامی افغانستان تأسیس شده بودند، نقش مهمی در تأمین عدالت و حاکمیت قانون، مبارزه با فساد اداری و مبارزه با جرایم خشونت علیه زنان داشتند.<sup>۱۴</sup>

13: <https://8am.media/fa/taliban-field-courts-each-official-of-this-group-holds-a-personal-trial/>

14: وضعیت دسترسی به عدالت در نظام عدلی و قضایی طالبان

## 2: لغو قوانین مدون و جایگزینی احکام شرعی

طالبان تمامی مقررات و قوانین قبلی به شمول قانون اساسی و قوانین جزایی را که تبعیت از اسناد بین‌المللی حقوق بشر وضع شده بود، لغو کردند. قوانینی که به لحاظ تضمین ارزش‌های حقوق بشر و حقوق شهروندی، در شمار بهترین قوانین کشورهای منطقه محسوب می‌شدند. اکنون، فتوا و برداشت‌های فقهی و احکام اسلامی جای قوانین قبلی را گرفته و محاکم طالبان با استفاده از منابع متعدد فقهی به قضایای جزایی و حقوقی رسیده‌گی می‌کنند.

به طور مثال تعدادی از قضات به «مجله الحکام» استناد می‌کنند و تعدادی دیگر بر اساس فهم و برداشت خود، حکم صادر می‌کنند. روش فیصله و صدور حکم در مورد قضایای جزایی به این صورت است که ابتدا قضات احکام را از منابع فقه حنفی استنباط و دوسیه را غرض فیصله نهایی به مفتی محول می‌کنند. مفتی حکم را با موازین شرعی مطابقت می‌دهد و سپس آن را تایید یا رد می‌کند. در مواردی که حکم مشخص در منابع فقهی وجود نداشته باشد مفتی بر اساس برداشت‌ها و فهم شخصی خود از دین، فتوا می‌دهد و این‌گونه حکم جاری می‌شود.<sup>۱۵</sup>

علاوه بر این، فرامین رهبر طالبان مبنای مهم قرارها و فیصله‌های قضایی به شمار می‌رود. رهبر طالبان درباره تعدادی از قضایا و موارد جزایی و حقوقی، فتوا می‌دهد و آن را مبنای فیصله و حکم محاکم قرار می‌دهد.

## 3: حذف مرحله تحقیق در دادگاه‌های طالبان

تحقیق، بخش مهمی از فرایند رسیده‌گی قضایی می‌باشد که در این مرحله به جمع‌آوری شواهد، مدارک و دلایل اثبات اتهام اقدام می‌شود و تاثیر مهمی در روند تصمیم‌گیری محاکم دارد. برای این کار، باید نهادهای مشخصی با صلاحیت‌های تعریف شده در قانون، وجود داشته باشد. قبلاً مسوولیت تحقیق و نظارت از جریان تحقیق بر عهده اداره لوی-سارنوالی بود. اما طالبان این اداره را به «نهاد نظارت و تعقیب فرامین و احکام» تغییر دادند و عملاً مرحله‌ی تحقیق را از فرایند اجراءات جزایی حذف کردند. هرچند صلاحیت تحقیق به پولیس، اداره استخبارات و محاکم تفویض شده است؛ اما در این مورد رویه یک‌سان وجود ندارد و نیز بخش خاصی برای این کار در محاکم و پولیس ایجاد نشده است.

چنان‌که در مورد برخی دوسیه‌ها هم‌زمان پولیس و محاکم و در برخی قضایا یا پولیس یا محاکم تحقیق می‌کند و در تعدادی از قضایا هیچ تحقیقی صورت نمی‌گیرد. به طور مثال؛ در ولایت پنجشیر تنها محاکم اند که صلاحیت تحقیق را دارد در حالی که در تعداد دیگری از ولایت‌ها، هم پولیس تحقیق می‌کند و هم محاکم.<sup>۱۶</sup>

همین‌طور، یافته‌ها نشان می‌دهد که تعداد زیادی از قضایا جزایی بدون هیچ‌گونه تحقیق و اقدام به جمع‌آوری اسناد و دلایل اثبات جرم، در یک جلسه فیصله و حکم درباره آن صادر می‌شود. از سوی دیگر، افرادی را که اداره استخبارات و یا اداره امر به معروف دستگیر می‌کنند، در همان روز بدون هیچ نوع تحقیق و ارجاع دوسیه به محاکم، مجازات

16: ریاست دارالانشای لوی سارنوالی، متحد المال شماره چهاردهم

17: ریاست دارالانشای لوی سارنوالی، متحد المال شماره چهاردهم

می‌کنند. هم‌چنین، بخشی از قضایا در مدیریت‌های جنایی قوماندانی امنیه حل و فصل می‌شوند و افراد بازداشت شده یا مستقیم برای سپری کردن مدت حبس خود به زندان می‌روند و یا آزاد می‌شوند.<sup>۱۷</sup>

بنابراین، تحقیق به عنوان یکی از مراحل فرایند اجراءات جزایی عملاً از بین رفته است؛ زیرا بخش تحقیق در محاکم وجود ندارد و برای این کار افراد مشخصی تعیین نشده‌اند. ظاهراً قضاتی که تحقیق می‌کنند فیصله نیز می‌کنند و در عمل نه تنها قضات که هر یک از نیروهای امنیتی و مسوولان محلی در هر مرحله‌ی از اجراءات جزایی که بخواهند می‌توانند به این کار اقدام کنند. مثلاً؛ در ولسوالی کهمرد ولایت بامیان، ولسوال به جای قاضی از متهم تحقیق می‌کند.<sup>۱۸</sup>

#### **4: مداخله نهادهای غیرتخصصی در امور قضایی**

نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد که بخش مهمی از قضایای حقوقی و جزایی توسط نهادها و مراجع غیر مسوول حل و فصل می‌شوند. پولیس، اداره امر به معروف، اداره استخبارات، شورای فقهی، کمیسیون فقهی، دارالافتاء مدارس دینی، بزرگان قومی و جرگه‌های محلی از مراجعی‌اند که نقش مهمی در رسیده‌گی و حل و فصل قضایای حقوقی و جزایی دارند. به طور مثال؛ در ولایت بدخشان تمامی قضایای مربوط به خشونت‌های خانوادگی و احوال شخصیه زنان، توسط اداره امر به معروف رسیده‌گی می‌شود و فیصله‌ها معمولاً به ضرر زنان است. در بخش‌های مشرقی از جمله پکتیا، پکتیکا و خوست اکثریت قضایای حقوقی و جزایی توسط ولسوال، ملا امامان، بزرگان قومی و جرگه‌های محلی حل و فصل می‌شوند. در تعدادی از ولایت‌ها کمیسیون حل و منازعات اجتماعی ایجاد شده است که صلاحیت رسیده‌گی به قضایای جزایی را نیز دارند. در ولایت دایکندی معمولاً معاون والی و اداره استخبارات قضایای حقوقی را حل و فصل می‌کنند. همین‌طور، در ولایت بغلان نیز اکثریت قضایای حقوقی و جزایی، در اداره امر به معروف حل و فصل و دوسیه‌ها به محاکم ارجاع نمی‌شوند.<sup>۱۹</sup>

#### **5: فقدان رویه‌ی واحد در رسیده‌گی به دعاوی حقوقی**

در مورد نحوه‌ی رسیده‌گی به دعاوی مدنی و حقوقی نیز مکانیسم مشخص و یک‌سانی وجود ندارد و روش محاکم طالبان در رسیده‌گی به این نوع قضایا، از یک ولایت تا ولایت دیگر و از یک محکمه تا محکمه‌ی دیگر متفاوت است. به طور مثال؛ در ولایت قندهار، ابتدا حوزه‌های پولیس اقدام به حل و فصل قضایای حقوقی می‌نمایند و اگر به نتیجه نرسیدند دوسیه را برای رسیده‌گی به قوماندانی امنیه محول می‌کنند. در ولایت هلمند روش دیگری وجود دارد، قضیه نخست در آمریت حقوق ارجاع می‌شود، و اگر در آنجا حل و فصل نشد به محاکم محول می‌شود. در اکثر موارد، بین اعضای یک محکمه و هیأت قضایی نیز توافق نظر وجود ندارد و دلیل آن تعدد و پراکنده‌گی منابع فقهی می‌باشد. مساله‌ای که موجب تاخیر در روند رسیده‌گی به دوسیه‌ها و سرگردانی اصحاب دعوا شده است.<sup>۲۰</sup>

18: <https://www.rawadari.net/uploads/files/81f9abee-0304-476a-87bc-a>

20: <https://www.rawadari.net/uploads/files/81f9abee-0304-476a-87bc-a>

21: <https://www.etilaatroz.com/187656/>

### 1: بازداشت‌های خودسرانه

اسناد بین‌المللی حقوق بشر، توقیف خودسرانه را به عنوان یک حق بشری برای افراد تضمین کرده است. ماده 9 میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مقرر می‌دارد که: «هرکسی حق آزادی و امنیت شخصی دارد. هیچ‌کسی را نمی‌توان خودسرانه بدون مجوز دستگیر یا بازداشت نمود، از هیچ‌کس نمی‌توان سلب آزادی کرد مگر به جهات و طبق اصول محاکماتی مقرر در قانون»<sup>۲۱</sup>

بنابراین، هرگاه سلب آزادی افراد بدون مجوز قانونی، غیر ضروری، نا متناسب، غیر قابل پیش‌بینی و تبعیض‌آمیز باشد، نقض حق آزادی و امنیت شخصی به شمار می‌رود. بر بنیاد یافته‌ها طالبان در گرفتاری و بازداشت افراد به اصول یاد شده عمل نمی‌کنند و در مدت نزدیک به چهار سال گذشته، صدها تن از نظامیان سابق، بزرگان قومی، خبرنگاران، فعالان حقوق بشر و حقوق زن را به صورت خودسرانه بازداشت، شکنجه و حتا به قتل رسانده است. طالبان بدون اعتنا به ابتدایی‌ترین تشریفات گرفتاری و بازداشت، و بدون حکم محکمه یا مجوز مراجع مسوول، از هر بخش و در هر سطحی از صلاحیت که قرار داشته باشند، می‌توانند افراد را توقیف و بازداشت نمایند. به طور مثال؛ در ولایت غور، علاوه بر پولیس، منسوبین اداره استخبارات، محتسبان اداره امر به معروف و کارمندان شهرداری نیز افراد را توقیف و بازداشت می‌کنند که این امر مصداق صریح نقض حقوق بشر می‌باشد.<sup>۲۲</sup>

در ولایت قندهار، تعدادی از قربانیان گفته‌اند که آن‌ها توسط مسولان ریاست ترافیک، ریاست احصاییه، ریاست صحت عامه و شفاخانه حوزوی میرویس بازداشت و برای مدت کوتاهی در یک اتاق زندانی شده بودند.<sup>۲۳</sup> افزون بر این، مواردی نیز وجود دارد که اداره استخبارات طالبان بدون توجه به «اصل شخصی بودن مسوولیت جزایی» اقارب و بسته‌گان کارکنان حکومت پیشین، منتقدان و مخالفان خود را بازداشت و شکنجه کرده‌اند. این قضایا که نمونه‌ای از صدها مورد بازداشت خودسرانه توسط اداره استخبارات و اداره امر به معروف می‌باشند، به وضوح نشان می‌دهد که صلاحیت‌های این دو نهاد محدود و مقید به هیچ قانونی نیست و آن‌ها می‌توانند افراد را بازداشت، شکنجه و برای مدت نا محدود توقیف کنند.<sup>۲۴</sup>

### 2: زندان‌های شخصی و غیرقانونی

بر بنیاد تحقیق‌ها فرماندهان و مسولان محلی گروه طالبان برای بازداشت و شکنجه افراد از زندان‌های شخصی و غیرقانونی استفاده می‌کنند. بر اساس یافته‌های به دست آمده در ولایت هلمند، تعدادی از ادارات ملکی یک اتاق خاص یا یک باب کانتینر به عنوان بازداشتگاه استفاده می‌کنند. در یک مورد، افرادی را که در آن زندانی کرده بودند با مداخله متنفذین محل و بزرگان قومی، آزاد شدند. در ولایت میدان وردک و در ولسوالی‌های دند، پنجوایی، شاولیکوت

21: مجمع عمومی سازمان ملل متحد، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی

22: وضعیت دسترسی به عدالت در نظام عدلی و قضایی طالبان

23: <https://www.etalatroz.com/187656/>

24: <https://www.rawadari.net/uploads/files/81f9abee-0304-476a-87bc-a>

و سپس بولدک و عینو مینه ولایت قندهار مسوولان محلی طالبان، افراد را در خانه‌های خود زندانی می‌کنند و در حوزه جنوب غرب نیز، ولسوال‌ها و ریاست‌های شهرداری، افراد را دستگیر و در زندان‌های شخصی تحت توقیف قرار می‌دهند. یک باشنده قندهار تجربه خود را از زندان‌های طالبان این‌گونه روایت کرده است:

«در تاریخ 27 جولای 2022، طالبان مرا بازداشت و چشمانم را بستند و پس از تقریباً دو ساعت سفر با موتر، به یک زندان شخصی در یک روستای دور افتاده در ولسوالی شاولیکوت منتقل کردند. در جریان دو ساعت سفر، سه بار مرا از موتر پیاده کردند، طالبان مرا ایستاد می‌کردند و طرفم با مرمی فیر می‌کردند و می‌خواستند که اقرار کنم. اما من گناهی را مرتکب نشده بودم که آن را اقرار می‌کردم. در این محل حدود 20 تن دیگر نیز زندانی بودند. طالبان من و سایر بازداشت شده‌گان را حوالی ساعت یک یا دو بجه شب بیرون می‌بردند و شکنجه می‌کردند. بعد از 10 روز برادرم محل بازداشت من را پیدا کرد و از آنجا نجاتم داد. بار دوم مرا به یک حوزه امنیتی شهر قندهار، و سپس از آنجا به نظارت خانه قوماندانی امنیه منتقل کردند. در نظارت خانه قوماندانی امنیه نیز ما را نیمه شب به شدت شکنجه می‌کردند. غذا نمی‌داند و از گرسنگی زیاد احساس می‌کردیم که می‌میریم. پس از 8 روز ثابت شد که من گناهی مرتکب نشدم و آزادم کردند.»<sup>25</sup>

یک منبع از ولایت بلخ گفته است که طالبان تعدادی از زنان معترض را در زندان‌های شخصی شکنجه و مورد تجاوز جنسی قرار داده اند. این زنان پس از بازداشت به زندان عمومی و از آنجا به بازداشتگاه‌های شخصی منتقل شده بودند. یک تن از شاهدان عینی گفته است: «بعد از ساعت هشت شب زنان جوان آراسته را به جاهای نامعلوم منتقل می‌کردند؛ اما صبح با ظاهر و وضعیت روانی نا مناسب به زندان بر می‌گشتند.»<sup>26</sup>

در یک مورد دیگر، در سال 2022، یک تن از اقارب ولسوال طالبان در «رستاق» ولایت تخار، فردی را به مدت یک هفته در خانه‌اش زندانی کرده بود. هم‌چنین، در نیمه سال 2022 افشا شد که شهرداری کابل از یک کانتینر به عنوان زندان شخصی استفاده می‌کند و این موضوع زمانی افشا شد که یک فرد بازداشت‌شده در داخل این کانتینر در اثر خفه‌گی جان داده بود.<sup>27</sup>

### 3: روش‌های شکنجه و اعتراف‌گیری اجباری

اسناد بین‌المللی و سازمان‌های حقوق بشر، شکنجه و اعتراف‌های اجباری را در هر حال منع قرار داده است. در ماده هفتم میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی چنین آمده است: «هیچ‌کس مورد شکنجه و آزار و یا رفتار و مجازات ظالمانه و غیرانسانی قرار نمی‌گیرد.»<sup>28</sup> همین‌طور، در ماده 14 میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی آمده است که: «3. هر شخص حق دارد در جریان تثبیت هر نوع اتهام علیه وی از تضمین‌های حد اقل ذیل با تساوی کامل برخوردار

25: <https://www.rawadari.net/uploads/files/81f9abee-0304-476a-87bc-a>

26: <https://8am.media/fa/womanes-grim-reality-in-taliban-detention-centers-and-prisons>

27: <https://8am.media/fa/womanes-grim-reality-in-taliban-detention-centers-and-prisons>

28: مجمع عمومی سازمان ملل متحد، میثاق بین‌المللی منع شکنجه و دیگر رفتارها یا مجازات‌های بی‌رحمانه، غیر انسانی و اهانت‌آمیز

گردد: (ز) مجبور ساخته نشود که عیله خویش شهادت بدهد یا به جرم خویش اعتراف نماید.<sup>۳۰</sup> بنابراین، اعترافی که از روی شکنجه و ارباب به دست می‌آید فاقد اعتبار حقوقی بوده و نمی‌تواند مستند حکم قاضی قرار بگیرد. اما طالبان چون با روش‌های جمع‌آوری اسناد و دلایل اثبات اتهام‌آشنایی ندارند، به شکنجه و اخذ اعتراف اجباری متوسل می‌شوند و شکنجه از رایج‌ترین عمل در فیصله‌های عدلی و قضایی آنان به شمار می‌روند.

یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که بیش‌ترین شکنجه در نظارت‌خانه‌ها، اداره‌های استخبارات و زندان‌های شخصی صورت گرفته‌اند. شیوه‌های شکنجه در این ادارات عبارتند از: بستن سنگ به آلت تناسلی مردان، کندن گوشت بدن، سوزاندن بدن زندانیان با سیخ و آب و داغ، گرسنه‌گی دادن، قراردادن در گرما یا سرمای شدید، قراردادن در اتاق خیس و تاریک، ترساندن با شلیک گلوله، غرق مصنوعی، گذاشتن لوله آب در دهان زندانیان طوری که آن‌ها را ابتدا با کمپل محکم می‌بندند و سپس به زور آب می‌دهند، شوک‌برقی قراردادن در معرض آلوده‌گی صوتی، بی‌خوابی دادن، لت‌وکوب با مشت و لگد، چوب، پیپ آب، زنجیر و قنذاق تفنگ، انداختن پلاستیک در سر زندانیان، آویزان کردن از سقف، برهنه کردن، تجاوز کردن، خفه کردن و تهدید به قتل زندانیان و اعضای خانواده‌های آنان، نگاه‌داشتن زندانیان در آفتاب گرم و سوزان و غذا ندادن از شیوه‌های معمول شکنجه در زندان‌های طالبان می‌باشند.<sup>۳۰</sup>

به طور مثال؛ یک زندانی رها شده از ولایت غزنی گفته است که: «دو ماه در نظارت خانه استخبارات طالبان زندانی بودم. آن‌ها هر شب من را شکنجه می‌کردند، می‌خواستند به قتل یک نفر اعتراف کنم، حتا دندان‌هایم را با انبر کشیدند. اما من بی‌گناه بودم و بعد از دو ماه از زندان رها شدم. فعلا وضعیت صحتی خوب نیست و راه رفته نمی‌توانم.»<sup>۳۱</sup>

افزون براین، تجربه زنان از بازداشت‌های کوتاه مدت و دراز مدت در بند طالبان تکان دهنده و وحشتناک است. یکی از زنان معترض که توسط طالبان در نظارت خانه حوزه شانزدهم امنیتی شهر کابل مورد تجاوز جنسی قرار گرفته می‌گوید که این گروه به زنان به عنوان برده‌های جنسی و غنیمت جنگی می‌بیند.

طبق یافته‌های روزنامه هشت صبح، یک زن معترض که در شب اول بازداشت شدنش مورد تجاوز جنسی قرار گرفته بود، چنین گفته است: «طالبان در هنگام بازجویی زنان و دختران را مجبور می‌کردند که خود را برهنه کنند، کسانی که از این امر طالبان سر باز می‌زدند، به شدت مورد شکنجه قرار می‌گرفتند.»<sup>۳۲</sup>

علاوه براین، یک زن دیگر در صحبت با روزنامه هشت صبح گفته است، سه روز در نظارت خانه حوزه شانزدهم طالبان تحت توقیف بوده و یک شب از سوی دو جنگ‌جوی طالب مورد تجاوز جنسی قرار گرفته است. به گفته این زن: «طالبان پرسان می‌کردند که کی شما را حمایت می‌کند؟ چرا اعتراض می‌کنید؟ وقتی اعتراف نمی‌کردم و منکر می‌شدم، عکس‌ها را نشان می‌دادند و می‌زدند. شب می‌آمد، می‌برد. تاریکی بود و گریه. سالن تاریک دور و دراز بود آدم هیچ نمی‌فهمید که در کجاست. دخترها را به نوبت می‌بردند تاریکی بود و گریه. کسی که تعلق می‌کرد، با شلاق و

30: <https://8am.media/fa/womanes-grim-reality-in-taliban-detention-centers-and-prisons>

31: <https://8am.media/fa/womanes-grim-reality-in-taliban-detention-centers-and-prisons>

32: <https://8am.media/fa/womanes-grim-reality-in-taliban-detention-centers-and-prisons>

قنطاق می‌زدند که لباس‌های خود را بکشید. کسانی که لباس‌های خود را نمی‌کشیدند، بسیار می‌زند.» به گفته‌ی این زن معترض: «دو نفر با بسیار وحشت بالایم تجاوز کردند. اول گفتند که لباس‌هایت را بکش. وقتی مقاومت کردم و جیغ زدم، دستمال سیاه را به روز و دست‌هایم را در پشت بستند و کالایم را خودشان کشیدند. نه فریاد زده می‌توانستم و نه هم تکان خورده. صرف صدای گپ طالب‌ها می‌آمد. در جریان تجاوز اگر سروصدا می‌کردی، به جایی می‌زد که نشان داده نمی‌شود. از شرمگاه‌ها چوتی می‌گرفتند.» این زن معترض تصریح می‌کند که خانواده‌اش واسطه کرده تا او از زندان پل چرخی نجات پیدا کند. به گفته او «از اعضای خانواده و خودم تعهد گرفتند که با رسانه‌ها گپ نزنیم. هشدار دادند که اگر گپی به رسانه‌ها گفته شود، تمام اعضای خانواده‌ام را از بین می‌برند. بارها تصمیم به نابودی خود گرفتم، اما وقتی به فرزندانم نگاه می‌کنم، منصرف می‌شوم. شوهرم را گفتم که اگر نگاهم نمی‌کنی، آزادم کن؛ چون به اختیار خودم نکردم. شوهرم گفت نه شنیدم و نه می‌شنوم.»<sup>۳۳</sup>

#### 4: وضعیت زنان و گروه‌های آسیب‌پذیر

در نظام عدلی حکومت پیشین، ساختارهای حمایتی و ویژه برای زنان از جمله سارنوالی‌ها و محاکم اختصاصی ایجاد شده بودند که به جرایم خشونت علیه زنان رسیده‌گی می‌کردند. طالبان این سارنوالی‌ها و محاکم اختصاصی را از تشکیل نهادهای عدلی و قضایی حذف و نیز وزارت امور زنان و مرکزهای حمایتی زنان در سراسر افغانستان را منحل کردند. با این حال، زنانی که توسط بسته‌گان نزدیک و محارم شرعی خود مورد خشونت قرار می‌گیرند نمی‌توانند برای دادخواهی به محاکم و دیگر مراجع مسوول مراجعه نمایند. مجموع موارد یادشده، تاثیرات منفی و زیان‌باری بر وضعیت دسترسی زنان به عدالت داشته است.

یافته‌ها نشان می‌دهد که در مدت نزدیک به چهارسال گذشته، زنان قربانی خشونت با چالش‌ها و موانع زیادی در دسترسی به عدالت روبه‌رو هستند. چنان‌که در سراسر کشور به خصوص در ولایت‌های پکتیا، پکتیکا، کنر، ننگرهار، زابل و هلمند زنان جرأت مراجعه به محاکم طالبان را ندارند. شواهد و مدارک به دست آمده، نشان می‌دهد که طالبان در مورد دعاوی جزایی و حقوقی زنان، رفتار سخت‌گیرانه‌ای دارند و معمولاً، فیصله‌های قضایی را به ضرر زنان صادر می‌کنند. مخصوصاً در قضایای مربوط به احوال شخصیه زنان مانند درخواست تفریق، ازدواج‌ها اجباری، میراث و نفقه اصلاً توجه نمی‌کنند، و حتا دوسیه‌های زنانی را که در حکومت قبلی تحت دوران بودند، از روند اجراءات خارج کرده اند.<sup>۳۴</sup>

از سوی دیگر، تمامی قضات اهل تشیع که در اداره‌های عدلی و قضایی کار می‌کردند، از وظایف شان برکنار شدند و اکنون در محاکم طالبان هیچ فردی از شیعیان در منصب قضا حضور ندارند. طالبان «قانون احوال شخصیه اهل تشیع» را ملغاً کردند و در مورد قضایای اهل تشیع به شمول دعاوی مدنی و احوال شخصیه، بر اساس فقه حنفی فیصله می‌کنند. در ماده 8 «لایحه محاکم» طالبان آمده است؛ «قضات و اعضای مربوطه محاکم مکلف هستند که تمام

33: <https://8am.media/fa/womanes-grim-reality-in-taliban-detention-centers-and-prisons>

34: <https://www.rawadari.net/uploads/files/81f9abee-0304-476a-87bc-a>

فیصله‌ها را در پرتو فقه حنفی صادر نمایند. که مشتمل بر حواله کتاب‌های معتبر و جزئیات فقهی باشد.<sup>۳۵</sup> یافته‌ها نشان می‌دهد که محاکم طالبان در قضایای که یک طرف دعوا شیعه مذهب باشد تبعیض‌آمیز عمل می‌کنند. به طور مثال؛ در منطقه «دولت‌خانه» شهر هرات، محکمه در دعوی مالکیت بر سر یک باب مسجد که پیروان مذهب تشیع سالیان متمادی از آن استفاده می‌کردند، قضیه را به نفع نیروهای خود و پیروان مذهب حنفی که طرف دیگر دعوا بودند فیصله نموده و شیعیان را از مسجد بیرون کردند. همین‌طور، بر بنیاد منابع یکی از قضات طالبان در هرات نقل قول کرده است که «پیروان مذهب تشیع اهل ذمه» هستند و باید مطابق فقه حنفی در مورد قضایای آن‌ها حکم صادر شود.<sup>۳۶</sup> به همین دلیل، شیعیان کمتر به محاکم طالبان اعتماد می‌کنند و به خصوص در قضایای حقوقی و احوال شخصیه به مکانیسم‌های غیر قضایی از جمله جرگه‌های قومی و طالبان با گروه‌های قومی دیگر نیز مناسبت نیست و در این زمینه منابعی از شهر قلعه نو ولایت بادغیس گفته اند که قضات طالبان با طرفین دعوی متعلق به گروه‌های قومی دیگر نیز برخورد تبعیض‌آمیز دارند.<sup>۳۶</sup>

## 5: فرمان طالبان به وجود شکنجه در بازداشتگاه‌ها

در یک نامه رسمی معاونت قضایی ریاست محکمه تمیز ولایت قندهار که به قوماندانی‌های امنیه و اداره استخبارات ولایت‌های جنوب غرب فرستاده شده، آمده است که بدون حکم محکمه هیچ‌کس را شکنجه نکنند. در این نامه به وجود شکنجه و بد رفتاری‌های گسترده در بازداشتگاه‌های اداره استخبارات، حوزه‌های پولیس و ولسوالی‌ها و اخذ اعتراف اجباری از زندانیان اشاره شده است. در حالی که رهایی از شکنجه به عنوان یک حق مطلق شناخته می‌شود اسناد بین‌المللی حقوق بشر بر رعایت بی‌قید و شرط آن تاکید کرده است؛ اما در نامه محکمه تمیز ولایت قندهار، ارتکاب شکنجه با حکم محکمه، مجاز خوانده شده است.

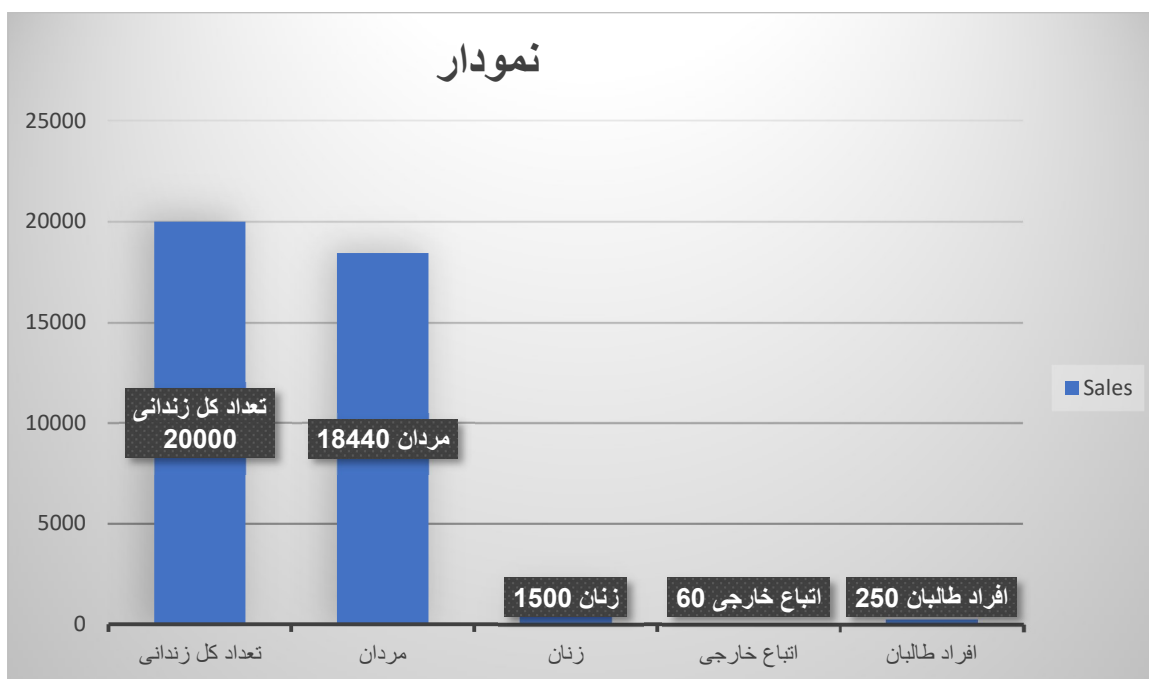
چند مورد از روایت‌های قربانیان شکنجه به عنوان نمونه در اینجا ذکر می‌شود. در ماه جون 2022، یک فرد معتاد در شهر «قلعه نو» ولایت بادغیس، به اتهام دزدی باطری مسجد، توسط طالبان بازداشت و با دادن شوک برقی به شدت شکنجه شده بود. در یک مورد دیگر، یک باشنده‌ی ولایت بامیان گفته است که طالبان او و دیگر زندانیان را شبانه لت‌وکوب و شکنجه می‌کردند تا علیه خود اعتراف کنند. هم‌چنین، یک باشنده‌ی ولایت قندهار گفته است که: «طالبان من و برادرم را از خانه بازداشت کردند، چشمان مان را بستند و سپس با گشتاندن در اطراف چند «چوک» در عینو مینه، ما را در یک خانه شخصی بردند. آن‌ها ما را شکنجه می‌کردند و در بدل رهایی من و برادرم خواستار دو عراده موتر بودند که مجبور شدیم یک عراده موتر «کرولا» و یک عراده موتر «لوکسل» برای آن‌ها تهیه کنیم. آن‌ها سند تسلیمی موترها را به ما دادند و سپس توسط طالبان دیگر آزاد شدیم.»

همچنین، بر اساس شواهدی که در اختیار ما قرار گرفته است، یک تن از نظامیان سابق در ولایت قندهار که توسط طالبان بازداشت شده بود، در نتیجه‌ی شکنجه شدید در یک حوزه‌ی امنیتی، جان باخته است. طبق گزارش‌ها از ولایت‌های مختلف طالبان زندانیان را بعد از یک بجه هر شب شکنجه می‌کنند.<sup>۳۷</sup>

## 6: آمار و ارقام زندانیان در زندان‌های طالبان

بر اساس یافته‌های بی‌بی‌سی، شمار کل زندانیان حکومت طالبان بیش‌تر از 18 هزار و 800 مورد ذکر شده است که از این میان یک‌هزار و 376 تن آن زنان می‌باشد.<sup>۳۸</sup>

بر اساس گزارش دفتر هیئت معاونت ملل متحد در افغانستان، شمار زندانیان در زندان‌های طالبان به 20 هزار تن می‌رسد، از میان این زندانیان، 1500 تن زنان و 60 تن دیگر اتباع خارجی هستند. علاوه بر این، 250 تن از اعضای طالبان نیز زندانی هستند. بر اساس یافته‌های این گزارش، 300 تا 600 تن از سوی محاکم طالبان به مجازات اعدام محکوم شده‌اند.<sup>۳۹</sup>



یک تحقیق میدانی توسط رواداری صورت گرفته یافته‌های کلیدی این تحقیق نشان می‌دهد که در سال 2023 و 2024 موارد چون؛ قتل‌های مرموز، قتل کارمندان حکومت پیشین، قتل غیرنظامیان به اتهام همکاری با مخالفان، قتل

37: وضعیت دسترسی به عدالت در نظام عدلی و قضایی طالبان

38: <https://www.google.com/amp/s/www.bbc/persain/articles/cv7g2dv4zr0o.amp>

39: <https://www.google.com/amp/s/amp.dw.com/fa-af/>

بزرگان قومی، ناپدید شدن‌های اجباری، بازداشت‌های خودسرانه، قتل زندانیان، تطبیق مجازات غیرانسانی صورت گرفته است.

**قتل‌های مرموز و هدفمند** یافته‌های این گزارش نشان می‌دهد که در این دو سال دست کم 1298 تن به گونه‌ای مرموز و هدفمند توسط طالبان یا افراد ناشناس کشته و یا زخمی شده‌اند. این نوع قتل‌ها به دلیل ماهیت پنهانی و نبود شفافیت در عاملان، در ادبیات حقوقی به عنوان قتل‌های مرموز یاد می‌شود. این قتل‌ها بیش‌تر متوجه کسانی است که به نوعی با دولت پیشین، نهادهای مدنی یا گروه‌های منتقد طالبان ارتباط داشته‌اند.

**قتل کارمندان حکومت پیشین** آمار نشان می‌دهد که در این مدت، 174 تن از کارمندان دولت پیشین در حملات هدفمند طالبان یا افراد ناشناس کشته یا زخمی شده‌اند. این روند در تضاد کامل با وعده‌های طالبان مبنی بر عفو عمومی پس از تسلط در آگست 2021 است و نشان می‌دهد که سیاست رسمی یا غیررسمی حذف فیزیکی کارمندان گذشته هنوز جریان دارد.

**قتل غیرنظامیان به اتهام همکاری با مخالفان** طالبان افراد غیرنظامی را تنها بر اساس اتهام عضویت یا همکاری با گروه‌های مخالف بازداشت و بدون محاکمه اعدام کرده‌اند. آمار ثبت‌شده نشان می‌دهد که در سال‌های 2023 و 2024 دست کم 67 تن از غیرنظامیان به این شکل جان خود را از دست داده‌اند.

**قتل رهبران قومی، اجتماعی و مذهبی** در همین دوره، 622 تن از بزرگان قومی، متنفذین محلی و علمای دینی به قتل رسیده‌اند.

**ناپدیدشدن‌های اجباری طبق آمار**، در سال‌های 2023 و 2024 حداقل 81 تن شامل کارمندان حکومت پیشین، فعالان حقوق بشر و افراد متهم به همکاری با گروه‌های مخالف پس از بازداشت توسط طالبان ناپدید شده‌اند.

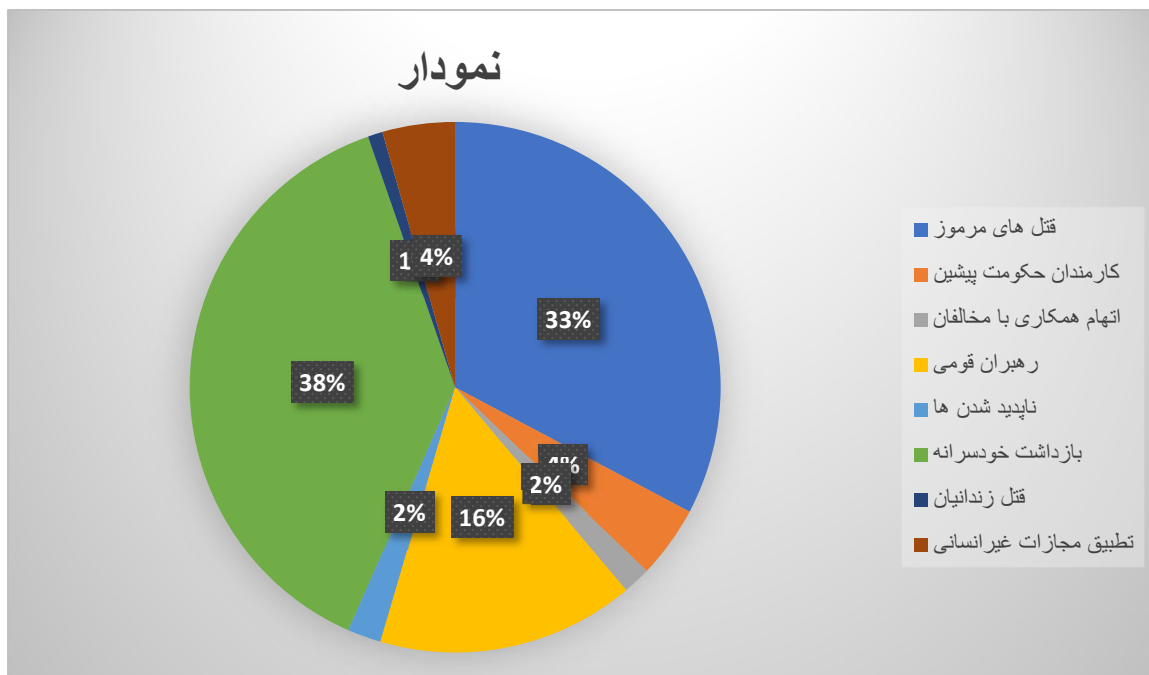
این پدیده در حقوق بین‌الملل به عنوان ناپدیدسازی اجباری شناخته می‌شود که از جدی‌ترین نقض‌های حقوق بشر است؛ زیرا خانواده‌ها از سرنوشت عزیزان خود بی‌خبر می‌مانند و هیچ سازوکار قضایی برای پیگیری وجود ندارد.

**بازداشت‌های خودسرانه** آمارها نشان می‌دهد که در سال‌های 2023 و 2024 بیش از 1508 تن به شمول زنان به‌گونه خودسرانه بازداشت شده‌اند. این بازداشت‌ها غالباً بدون حکم قضایی، بدون دسترسی به وکیل مدافع و بدون رعایت قوانین صورت گرفته است.

**قتل زندانیان افزون بر این**، در زندان‌های طالبان دست کم 36 تن زندانی پس از شکنجه به قتل رسیده‌اند.

**تطبیق مجازات غیرانسانی** از آگست 2021 تا جون 2023 طالبان در حوزه جنوب غرب افغانستان 118 تن را در ملأ عام شلاق زده‌اند. افزون بر این، عبدالمالک حقانی، معاون اداره عالی محاکم طالبان، اعلام کرده که این گروه تاکنون

175 مورد حکم قصاص، 37 مورد حکم سنگسار، 4 مورد حکم زیر دیوار کردن و 103 مورد اجرای حدود را تطبیق کرده است.<sup>40</sup>



## 7: سر درگمی در اجرای قانون

یکی از چالش‌های اساسی در نظام حقوقی طالبان، مساله‌ای اجرای قانون است. هرچند طالبان در بعضی موارد به قوانین حکومت پیشین ارجاع می‌دهند، اما اولویت عملی آنان اجرای احکام شرعی مورد نظر خودشان است. به گزارش روزنامه اطلاعات روز، مفتی محمد بشار، سخن‌گوی وزارت عدلیه طالبان گفته بود که حکومت امارت از لحاظ قوانین بسیار غنی است. تا کنون از تمام قوانین بیست سال گذشته که با احکام شریعت در تضاد نبوده، کار گرفته‌اند و اکنون کار روی تعدیل قانون جریان دارد.<sup>41</sup>

این اظهارات نشان می‌دهد که نوعی دوگانگی و سردرگمی در اجرای قانون در ارگان‌های عدلی و قضایی طالبان دیده می‌شود.

## نقض اصول دادرسی عادلانه در دادگاه‌های طالبان

اسناد بین‌المللی حقوق بشر، برای افرادی که مورد تعدی واقع شده و در نتیجه‌ی ارتکاب یک عمل جرمی زیان دیده اند، این حق را تضمین کرده است که در حضور محکمه صالح احقاق حق کنند، و همین‌طور، افرادی که در معرض اتهام قرار دارند، باید بتوانند در یک محکمه بی‌طرف و مستقل از خود دفاع نمایند. به همین منظور، اسناد بین‌المللی حقوق بشر اصول و معیارهای مشخصی را برای حصول اطمینان از اجرای عدالت و تضمین حقوق بشری مظنون و

40: وضعیت دسترسی به عدالت در نظام عدلی و قضایی طالبان

41: <https://www.etilaatroz.com/137333/>

متهم، تعیین کرده که در تمامی مراحل فرایند اجراءات جزایی، از مرحله‌ی کشف تا صدور حکم و اجرای مجازات و پس از آن باید رعایت شوند. یافته‌ها نشان می‌دهد که قضات و محاکم طالبان با اصول یادشده آشنایی نداشته و در اجراءات خود به موازین حقوق بشر اعتنایی نمی‌کنند. به خصوص در جرایم تعزیری و جرایم حدود و قصاص به اصول و موازین محاکمه عادلانه اهمیت نمی‌دهند.

قابل یادآوری است که قوانین قبلی مانند قانون اساسی، قانون اجراءات جزایی، کد جزا، قانون تشکیل، وظایف و صلاحیت‌های محاکم و سارنوالی، با تبعیت از اسناد بین‌المللی حقوق بشر اصول محاکمه عادلانه را تضمین کرده بودند؛ اما از آنجا که هیچ‌یک از قوانین یادشده اکنون نافذ نیست و در حکومت طالبان اعتبار ندارد.<sup>۴۲</sup>

## 1: تبعیض سیستماتیک و نقض برابری در برابر قانون

در یک نظام عدلی و قضایی، نخستین مرحله‌ای که در فرایند دسترسی به عدالت و دادگستری بسیار مهم است، برابری همه‌ی شهروندان در برابر قانون است. در میثاق‌های بین‌المللی به حق برابر و یکسان شهروندان در برابر قانون تاکید شده است. اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر در ماده‌ی هفتم‌اش می‌گوید: «همه در برابر قانون مساوی هستند و حق ندارند بدون هیچ‌گونه تبعیضی از حمایت یکسان قانون برخوردار شوند.»<sup>۴۳</sup>

برابری در برابر قانون با این تعریف اما زیر سلطه و سیطره‌ی گروه طالبان در افغانستان به چشم نمی‌خورد. زیرا نظام حقوقی این گروه بر یک قرائت خاص و سخت‌گیرانه از شریعت و آموزه‌های دینی ابتناء یافته است؛ قرائتی که در آن زنان و مردان از حقوق یکسان و برابر برخوردار نیستند. هم‌چنین، در نظام حقوقی این گروه به جز پیروان مذهب حنفی، پیروان مذاهب دیگر، از جمله شیعیان به عنوان اقلیت مذهبی نه تنها از حقوق یکسان برخوردار نیستند، بلکه فقه مذهب شیعه از دایره رسمیت بیرون انداخته شده و حتا تدریس این فقه در مکتب‌ها و دانشگاه‌ها ممنوع شده است. روشن است که با چنین نگاه دوگانه به شهروندان، ممکن نیست که همه در برابر قانون یکسان شناخته شده و نظام عدلی و قضایی بتواند زمینه‌ی دسترسی به عدالت را برای زنان و پیروان مذاهب مختلف دیگر به عنوان اقلیت‌ها، به طور یکسان فراهم کند.<sup>۴۴</sup>

## 2: عدم استقلال قضایی و بی‌طرفی دادگاه‌ها

دسترسی به دادگاه مستقل و بی‌طرف از دیگر ملزومات مهم و اساسی حق دسترسی به عدالت به شمار می‌آید. به عبارت دیگر، اصل بی‌طرفی در قضات یکی از اصول و مولفه‌های اساسی دادرسی عادلانه است؛ به این معنا که قاضی مکلف است که در طول رسیده‌گی به دعاوی، بی‌طرف باقی بماند و از هرگونه رفتار و برخوردی که سبب امتیاز یک طرف و محرومیت طرف دیگری می‌شود، پرهیز کند. به دلیل اهمیت نقش بی‌طرفی در دادرسی، اعلامیه‌ی جهانی

42: اعلامیه جهانی حقوق بشر، سازمان ملل متحد

43: اعلامیه جهانی حقوق بشر، سازمان ملل متحد

حقوق بشر به صراحت اعلام می‌دارد که هرکس حق دارد با مساوات کامل دعوايش در دادگاه «مستقل و بی‌طرف» منصفانه و علنی رسیده‌گی شود.<sup>۴۵</sup>

هم‌چنین، مستقل بودن دادگاه و این که نباید دادگاه تحت تاثیر و نفوذ قدرت حاکم قرار داشته باشد از اصل استقلالیت قوه قضاییه سخن به میان آمده است. در اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر در فرایند دادرسی و قضات به رعایت این اصل نیز تاکید صورت گرفته است. اما در نظام قضایی طالبان دسترسی به دادگاه بی‌طرف و مستقل، حد اقل برای اقلیت‌ها فراهم نیست به این دلیل که قوه قضاییه در نظام سیاسی طالبان تحت تاثیر و نفوذ مقام‌های سیاسی و شرعی این گروه قرار دارد. در یک نظام حقوقی-سیاسی که «شریعت و تطبیق احکام شرعی» اولویت اصلی و اساسی تعریف شده باشد، ممکن نیست در پیشگاه محکمه و فرایند دادرسی، به طور مثال؛ یک عالم دین یا محتسب با افراد عادی در یک سطح محاسبه شده و به صورت یک‌سان با آنان برخورد شود؛ زیرا محکمه آنان را «وارثان انبیاء» و فراتر از قانون موضوعه می‌دانند. یا در چنین نظام قضایی ممکن نیست حکم قضایی‌ای در مورد مخالفان سیاسی گروه حاکم صادر شود، اما مستقل از امیال سیاسی این گروه باشد.<sup>۴۶</sup>

بنابراین، تحقیق‌ها نشان می‌دهد که محاکم طالبان در تصمیم‌گیری‌های خود بی‌طرف و مستقل نیستند، بلکه از مداخلات و اعمال نفوذ نهادهای دیگر و نیروهای خارج از محاکم تاثیر می‌پذیرد. چنان‌که در تمامی ولایات، والی‌ها، قوماندانی‌های امنیه، ولسوالان و دیگر فرماندهان محلی طالبان نقش تعیین کننده و مهمی در نوع قرارها و فیصله‌های قضایی محاکم دارند و می‌توانند روند اجراءات قضایی را کاملاً تغییر بدهند. از آنجا که قضات مسلکی نستیند و هم‌چنین قانونی برای تضمین بی‌طرفی محاکم وجود ندارد؛ لذا قضات نسبت به اطراف دعوا جانب‌دارانه برخورد می‌کنند و پیش‌فرض‌های شخصی خود را در فیصله‌های قضایی دخیل می‌سازند. مخصوصاً اگر یک طرف دعوا زنان و کارکنان دولت پیشین باشند.

افزون براین، محاکم طالبان در دعاوی‌ای که یک طرف آن افراد مربوط به خودشان بوده و یا افرادی که با آن‌ها روابط نزدیک داشته، جانب‌دارانه عمل کرده اند. حتا در مورد افرادی که جرم‌شان محرز بوده؛ اما به دلیل داشتن روابط قبلی و یا تاثیر پذیری از افراد با نفوذ خارج از دستگاه قضایی، به معافیت آن‌ها حکم کرده اند. برعکس، در مورد کارکنان حکومت پیشین که توسط پولیس، اداره استخبارات و دیگر نهادهای امنیتی و نظامی دستگیر شده رفتار سخت‌گیرانه داشته و مجازات سنگینی برای آن‌ها تعیین کرده اند.<sup>۴۷</sup>

### 3: محدودیت‌های دسترسی به وکلای مدافع

دسترسی مظنون و متهم به وکیل مدافع و مساعدت حقوقی از مهم‌ترین اصول محاکمه عالانه است، اما به این روند در ارگان‌های عدلی و قضایی طالبان اهمیت داده نمی‌شود. به طور مثال؛ یک منبع از ولایت بغلان گفته است که قضات

45: اعلامیه جهانی حقوق بشر، سازمان ملل متحد

46: <https://www.etilatroz.com/187656/>

47: وضعیت دسترسی به عدالت در نظام عدلی و قضایی طالبان

طالبان در اوایل می‌پرسیدند که «وکیل مدافع کیست و چه کارهایی می‌کند. وقتی برای‌شان توضیح داده می‌شد پاسخ می‌دادند که شما از مجرمین و جنایتکاران دفاع می‌کنید.»<sup>۴۸</sup>

از سوی دیگر، طالبان انجمن مستقل وکلای مدافع را ملغاً کردند و نیز تعداد زیادی از وکلای مدافع به دلیل وضع محدودیت‌های سخت‌گیرانه و مشکلات امنیتی، شغل خود را از دست دادند. در ولایت‌های قندهار، پکتیکا، پکتیا، میدان وردک و خوست متهمان به جرایم سیاسی حق داشتن وکیل مدافع را ندارند. یک منبع از ولایت قندهار گفته است که طالبان در هیچ‌نوع قضایای جزایی، حتا در قضایای حاد و جدی، وکلای مدافع را نمی‌پذیرند و تنها در قضایای کوچک حقوقی و تجاری قبول دارند.<sup>۴۹</sup>

طالبان در شماری از ولایت‌ها از جمله بدخشان، قندهار، هلمند، زابل، ارزگان، جوزجان، فاریاب، کندز، بلخ و هرات از میان دانش‌آموخته‌گان مدارس دینی، وکلای مدافع جدید استخدام نموده و از وکلای مدافع قبلی امتحان اخذ کرده اند. هدف از برگزاری امتحان از وکلای مدافع دوره جمهوریت، ارزیابی میزان آشنایی آن‌ها از مسایل ابتدایی دینی بوده است. یک وکیل مدافع از ولایت هلمند گفته است که طالبان جواز کار وکلای مدافع دوره جمهوریت را لغو و از آن‌ها امتحان اخذ نمودند. در این امتحان پرسش‌های مربوط به نماز و دیگر مسایل دینی پرسیده شد که تعدادی از وکلای مدافع پس از کامیابی، جواز ادامه کار دریافت کردند. یک منبع دیگر از ولایت قندهار معلومات داده است که طالبان اخیراً وکلای مدافع جدید استخدام نموده که فارغ‌التحصیلان مدرسه‌های دینی هستند و تعدادی از آن‌ها هم‌زمان با کار قضاوت، به عنوان وکیل مدافع نیز فعالیت می‌کنند و بعد از رسمیات برای موکلین خود دفاعیه می‌نویسند. علاوه بر این، در ولایت قندهار، آموزگاران مدارس دینی و ملا امامان مساجد نیز برای متهمین دفاعیه می‌نویسند.<sup>۵۰</sup>

#### 4: فقدان دانش و صلاحیت قضایی

طالبان در اکثریت ادارات خود افرادی را گماشته که بیش‌تر آنان در مدارس و دارالعلوم‌ها درس خوانده است. گاهی انتصاب‌ها با معیارهای جهاد و مقاومت در دوره‌ی جمهوریت ملاک اند. افرادی که در دوره جمهوریت بیش‌ترین نقش در انتحاری‌ها و تخریب اماکن عمومی و جهاد و مقاومت که مورد نظر آنان دانسته می‌شوند نقش داشته، در بالاترین مقام‌ها تعیین بست شده‌اند.

یافته‌ها نشان می‌دهد که اکثریت مطلق قاضی‌ها و مفتی‌های محکمه‌های طالبان، دانش‌آموخته‌گان و فارغ‌التحصیلان مدرسه‌های دینی می‌باشند که عمداً از مدرسه‌های دینی پاکستان فارغ‌التحصیل شده‌اند و یا از دانش‌آموزان برحال این مدرسه‌ها بوده اند. تعدادی از افرادی که اکنون در منصب قضا ایفای وظیفه می‌کنند، قبلاً نیز در زمان جنگ و در ساحات تحت کنترل طالبان به عنوان قاضی کار کرده‌اند. به طور مثال رییس محکمه مرافعه ولایت غزنی در زمان جمهوریت در یک قریه تحت کنترل طالبان قاضی بوده است. در این میان شمار محدودی از آن‌ها از جمله یک قاضی

48: وضعیت دسترسی به عدالت در نظام عدلی و قضایی طالبان

49: وضعیت دسترسی به عدالت در نظام عدلی و قضایی طالبان

در ولایت هرات و چند قاضی دیگر در ولایت پنجشیر، تحصیلات عالی رسمی نیز دارند که در دانشکده‌های حقوق و شرعیات دانشگاه‌های کشور درس خوانده‌اند.<sup>۵۱</sup>

معلومات به دست آمده نشان می‌دهد که قاضی‌های طالبان با دانش حقوق مدرن، به خصوص اصول ناظر بر محکمه‌های عادلانه بیگانه هستند و هیچ میکانیسم و طرز‌العمل مشخص برای جذب و انتصاب افراد در منصب قضا را ندارد.

## 5: نقض اصل برائت

اصل برائت یا «فرض بی‌گناهی متهم قبل از اثبات جرم» از اصول دادرسی عادلانه است که دسترسی به عدالت را تسهیل می‌کند. چنانچه در بند (2) ماده 14 میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی آمده است: «هر کس به ارتکاب جرمی متهم شده باشد، حق دارد بی‌گناه فرض شود، تا این که مقصر بودن او بر طبق قانون محرز بشود.»<sup>۵۲</sup> هم‌چنین، در بند (2) ماده 10 میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی آمده است: «الف: متهمین به جز در موارد استثنایی، از محکومین جدا نگهداری می‌شوند و تابع نظام جداگانه‌ای متناسب به وضع اشخاص غیر محکوم می‌باشند.»<sup>۵۳</sup> با این وجود در نظام عدلی و قضایی طالبان به این دلیل که زنان و پیروان اقلیت‌های مذهبی از حقوق برابر و مساوی با دیگران برخوردار نیستند، نمی‌توانند از «حق برائت قبل از اثبات جرم» مستفید شوند، چون مجرم بودن آنان در جهان‌بینی حقوقی این گروه مفروض شمرده می‌شود.

## 6: تاخیر غیر موجه در رسیده‌گی به قضایای جزایی و حقوقی

بند 3 ماده 9 میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی تصریح کرده است: «هر شخصی که به اتهام جرمی دستگیر یا توقیف گردیده، به اسرع وقت در محضر قاضی یا هر مقام دیگری که اجازه و صلاحیت اعمال اختیارات قضایی را داشته باشد حاضر ساخته می‌شود. وی حق دارد که در مدت زمان معقول محاکمه شود یا آزاد گردد. قاعده کلی نباید این باشد که اشخاصی که در انتظار محاکمه هستند در توقیف به سر برند، بلکه آزادی موقت مشروط بر تضمین‌هایی بشود که حضور متهم در جلسه‌ی محکمه و سایر مراحل رسیده‌گی قضایی و حسب‌المورد برای اجرای حکم تأمین نماید.»<sup>۵۴</sup>

برخلاف این اصل میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، در حال حاضر در افغانستان هیچ قانونی برای تعیین مدت‌زمان نظارت و توقیف وجود ندارد و به این ترتیب، مدت رسیده‌گی قضایی در محاکم مشخص نیست. از این‌رو، نهادهای عدلی و قضایی مخصوصاً اداره استخبارات می‌تواند تا زمان نامشخص افراد را توقیف نماید. مواردی نیز وجود دارد که متهمان ماه‌ها در توقیف‌خانه به سر می‌برند و منتظر محاکمه خود هستند. در مورد قضایای حقوقی نیز تاخیر غیر موجه وجود دارد و تعدادی از این نوع قضایا تا یک سال هم رسیده‌گی نشده است. به طور مثال؛ در ولایت هرات، یک دعوای حقوقی که در محکمه ابتداییه ولسوالی انجیل راه‌اندازی شده بود، اکنون که بیش از یک‌ونیم سال از آن

51: <https://www.rawadari.net/uploads/files/81f9abee-0304-476a-87bc-a>

52: مجمع عمومی سازمان ملل متحد، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی

53: مجمع عمومی سازمان ملل متحد، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی

54: مجمع عمومی سازمان ملل متحد، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی

می‌گذرد مورد رسیده‌گی قرار نگرفته و حتا بخش مربوطه برای رسیده‌گی به آن تعیین نشده است، در حالی که هر دو طرف دعوا در هرات حاضر هستند.<sup>۵۵</sup>

## نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه گفته شد، به این نتیجه می‌رسیم که نظام عدلی و قضایی طالبان فاقد ارزش‌های بشری بوده‌اند. دسترسی به عدالت در این نظام برای مردم افغانستان به ویژه زنان و اقلیت‌های مذهبی به چالش‌های زیادی مواجه شده است. به این دلیل که در نظام عدلی و قضایی این گروه، مداخله نهادهای غیر مسوول به وضوح دیده می‌شود؛ اداره‌های عدلی و قضایی استقلالیت ندارد؛ اکثریت افراد نظامی و فرماندهان این گروه دارای زندان‌های شخصی هستند؛ بازداشت‌های خودسرانه و غیرقانونی در بعضی ولایت‌ها جریان دارد و توجه به استنادهای فرضی به احکام شرعی باعث شده تا دسترسی به عدالت در این نظام با مشکلات زیادی روبه‌رو شود.

بنابراین، در شرایط فعلی با توجه به آنچه گفته شد، مردم افغانستان به ویژه زنان و اقلیت‌های مذهبی نیازمند توجه فوری جامعه جهانی، سازمان‌های حقوق بشری و نهادهای مدنی هستند. تا از تمامی اداره‌های محاکم نظارت و مستندسازی نموده در صورت لزوم فشارهای لازم را بر طالبان وارد نمایند. و مردم افغانستان به ویژه زنان و اقلیت‌های دینی-مذهبی به دادرسی عادلانه دسترسی داشته باشند.

## پیشنهادات

با توجه به وضعیت موجود در نظام عدلی و قضایی طالبان، جهت دادرسی شفاف و عادلانه، احترام به حقوق بشر و زندانیان موارد زیر به جامعه جهانی، سازمان‌های حقوق بشری و مقامات حاکم در این کشور پیشنهاد می‌شود:

1: از جامعه جهانی خواسته می‌شود که با استفاده از ابزارهای سیاسی و اقتصادی جهت وا داشتن رعایت موازین حقوق بشر و تضمین استقلالیت اداره‌های عدلی و قضایی موجود در افغانستان، بر مقامات حاکم فشارهای لازم را اقدام نماید.

هم‌چنین، از جامعه جهانی می‌خواهیم که علاوه بر نظارت از عملکرد نظام عدلی و قضایی طالبان، تمامی قضایا و پرونده‌های نقض شده را مستندسازی نموده و با رسانه‌ها و سازمان‌های حقوق بشری شریک نماید.

2: از سازمان‌های حقوق بشری می‌خواهیم که منابع کافی برای نظارت و گزارش‌دهی از وضعیت زندانیان و حقوق بشر در افغانستان اختصاص دهد.

3: از مقامات حاکم در افغانستان خواسته می‌شود که برای احترام به حقوق انسانی و بشری، تمامی زندان‌های شخصی را مسدود کنند؛ جلو بازداشت‌های خودسرانه و غیرقانونی را بگیرند؛ شکنجه و بد رفتاری به زندانیان را خاتمه بخشند و از نقض موازین محاکمه عادلانه خود داری کنند.

## منابع

- 1: اعلامیه جهانی حقوق بشر، سازمان ملل متحد، مصوب 10 دسامبر 1984.
- 2: امارت اسلامی طالبان، لایحه محاکم، مصوب، 2018 مواد 1 و 75.
- 3: ریاست دارالانشای لوی سارنوالی، متحد المال شماره چهاردهم، تاریخ، 22 مارچ 2023.
- 4: ریاست محکمه تمیز جنوب غرب، مکتوب نمبر 1191، تاریخ 24 جنوری 2023.
- 5: رواداری، گزارش تحقیقی «عقب‌گرد و سرکوب»، جون 2022.
- 6: رواداری، «وضعیت دسترسی به عدالت در نظام عدلی و قضایی طالباندر افغانستان»، مارچ 2025.
- 7: رواداری، «وضعیت حقوق بشر در افغانستان» مارچ 2024.
- 8: روزنامه هشت صبح، گزارش تحقیق، «وضعیت زنان در زندان‌های طالبان؛ با تن برهنه اعتراف اجباری می‌گیرند» 29 جون 2025.
- 9: روزنامه اطلاعات روز، گزارش تحقیقی «حق دسترسی به عدالت برای اقلیت‌ها در حاکمیت طالبان» 5 سپتامبر 2024.
- 10: مجمع عمومی سازمان ملل متحد، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، مصوب 16 دسامبر، 1966.
- 11: مجمع عمومی سازمان ملل متحد، میثاق بین‌المللی منع شکنجه و دیگر رفتارها یا مجازات‌های بی‌رحمانه، غیر انسانی و اهانت‌آمیز، مصوب 10 دسامبر، 1984.

## References

- 1: <https://www.rawadari.net/uplods/files/81f9abee->
- 2: <https://8am.media/fa/the-situation-of-women-in>
- 3: <https://8am.media/fa/taliban-field-courts-each-official-of-this-group-holds-a-personal-trial/>
- 4: <https://8am.media/fa/womanes-grim-reality-in-taliban-detention-centers-and-prisons>
- 5: <https://www.etilaatroz.com/187656/>
- 6: <https://www.alemarahdari.af/articles-and-views/>
- 7: <https://www.google.com/amp/s/www.bbc/persain/articles/cy7g2dv4zr0o.amp>
- 8: <https://www.google.com/amp/s/amp.dw.com/fa-af/>
- 9: <https://www.etilaatroz.com/137333/>